

## بهشت زورگی



عبدالجواد موسوی  
شاعر و روزنامه‌نگار

همین دو سه روز پیش بود که در روزنامه هم‌میهن از بوشهر نوشتیم. به مناسبت آنچه ذیل عنوان هفته فرهنگی بوشهر در آنجا اتفاق افتاد. خیلی ذوق زده بودم و اعتراف می‌کنم جزو معدود مواردی بود که از یک اتفاق خوب می‌نوشتیم. نه اینکه تعمدی داشته باشیم برای سیاه‌نمایی! اما باور بفرمایید گاهی هر چه چشم می‌چرخد تا اتفاق زیبایی پیدا کنیم و درباره آن بنویسیم، چیزی پیدا نمی‌کنیم. فکر نکنید از این همه سیاه‌نویسی خوشم می‌آید. خدارا شاهد می‌گیرم گاهی خودم حالم بد می‌شود از این همه غر زدن. همیشه سعی کرده‌ام به‌عنوان یک نویسنده و روزنامه‌نگار یک لایحایی که بی‌غرضانه می‌نویسد، به‌خاکم:

صافی دل چیست؟ از تمیز گذشتن

آینه با خوب و زشت کار ندارد

خودم را کمتر در مقام قضاوت قرار دهم و تا آن جایی که می‌توانم بازتابی باشم از آنچه در اطرافم می‌گذرد. اینکه تا چه اندازه موفق بوده‌ام نمی‌دانم اما قصد و غرضی جز آنچه گفتیم در میان نبود. بگذریم. دوازدهم می‌گفتم اتفاقات بوشهر حسابی مراسم ذوق آورد تا آنجا که داشتم جدی امیدوار می‌شدم به اینکه در این اوضاع و احوال دلمردگی شاید بشود کاری کرد. نوشتیم که یک شمع از این مجلس صد شمع بگیرند و امیدوارم که در دیگر نقاط کشور هم این اتفاق بیفتد و... الخ. اما یکی دو ساعت بعد از اینکه مطلب را به دوستان تحویل دادیم، خبر آمد که اختتامیه این اتفاق فرهنگی لغو شد و برگزارکنندگان مجبور شدند پول بلیط مردم را پس بدهند و از آن‌ها عذرخواهی کنند. یخ کردم. دیروقت بود و گرنه رنگ می‌زدم روزنامه که مطلب را چاپ نکنند.

ولی تا صبح خودم را سرزنش کردم که آخه مرد حسابی! چرا این قدر عجول می‌شدم؟ خب می‌گذشتی برنامه به انتها برسد بعد اظهار امیدواری با ناامیدی می‌کردی؟ صبح فردا که روزنامه برسد دست ملت نمی‌گویند این بابا چرا اطلاعات غلط به مخاطبش می‌دهد؟ نمی‌گویند این چه روزنامه‌نگاری است که یک بار هم آمد ادای آدم‌های امیدوار را در نیاید چنین دسته‌گلی به آد داد؟ گفتیم همین فردایش چیزی می‌نویسم و از خجالت مخاطبان در می‌آیم و عذرخواهی می‌کنم. خلاصه یک‌جوری وجدانم را آرام کردم تا فردا. چرخ می‌چرخد از اخبار زدم تا ببینم اصل ماجرا چه بوده و اتفاقی به آن خوبی چرا باید با چنین مانعی طرف شود. طبق معمول ذهنم رفت طرف کسانانی که در این سال‌ها هر اتفاق خوب و امیدوارکننده‌ای را به سر خود تکیه بدل کردند. کسانانی که بالذات دشمن زیبایی و آزادی بودند. حقیقتش همان روزهای اول هم که این اتفاق در بوشهر افتاد، تعجب کردم که چطور بجهه ناهوشه بودند در این فضای خالص‌سازی دست به چنین کاری بزنند. با این حال گفتم بد نیست با آن‌هایی که با این بچه‌ها در ارتباط بوده‌اند تماس بگیریم. رنگ زدم به عزیزهای خودم هم آنجا حضور داشت و یکی از عوامل برگزاری این اتفاق خوب به حساب می‌آمد.

گله کرد از کسانانی که حرمت بعضی چیزها را نگاه نداشتند و با رفتارهای جلف و زنده‌شان، حساسیت بعضی از مسئولان شهری را بالا بردند. برای نمونه هم فیلمی برایش فرستاد که حُب حقیقتاً جالب نبود. یعنی هیچ توجیهی نداشت. این عزیز حتی معتقد بود شاید آن‌ها از طرف بعضی آدم‌های بیمار و خراج از ایران مأموریت داشتند که چنین صحنه‌هایی خلق کنند! نمی‌دانم اما به هر حال هر چه بود گزگ داده بود دست آن‌هایی که نباید می‌داد. من البته گفتم چه ربطی دارد؟ می‌توانستند به آن مسئله رسیدگی کنند اما اختتامیه برگزار شود. گفت: تو از دور نشست‌ای و چنین حکمی صادر می‌کنی، ما با هزار مصیبت توانستیم اجازه برپایی چنین برنامه‌ای را دریافت کنیم. تو باید می‌دید که چه کسانانی را با چه ادبیاتی راضی کردیم تا چنین اتفاقی بیفتد. همه چیز هم خوب پیش رفت تا اینکه این وقایع رخ داد و همه زحماتمان را بر باد داد. اگر این وقایع رخ نمی‌داد شاید می‌توانستیم به قول تو این برنامه را در خیلی از دیگر نقاط کشور برپا کنیم. حق با دوست من بود؟ نمی‌دانم. من درباره جزئیات اتفاقاتی که در بوشهر افتاد نیستیم اما تا اینجا که می‌دانم و از آدم‌های معتبر شنیده‌ام اتفاقات خوب و امیدوارکننده در آن بسیار بیشتر از اتفاقات غیرفهرنگی بوده:

در این چمن گل بی‌خار کس نچید آری  
چراغ مصطفوی با شرار بولهبی است  
مگر در همه جشنواره‌هایی که برگزار می‌شود صفر تا صدش مطلوب و مورد تایید همگان است؟ این را هم در نظر بگیریم وقتی چنین برنامه‌هایی به ندرت برگزار می‌شود چنین اتفاقاتی هم طبیعی است. به قول رضا مارمولک: «آقا جان! بهشت که زورگی نمی‌شود. آن قدر فشار می‌دهد که از آن روز جهنم می‌زند بیرون.»

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline  
https://t.me/hammihanonline  
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



Chiara Zocchetti

## تاویانی‌ها تمام شدند

پائولو تاویانی که در کنار برادرش از مهمترین فیلمسازان ایتالیا بودند

در ۹۲ سالگی درگذشت

درک انقلاب یعنی آثارشیشستی و مارکسیستی است. تاویانی‌ها دو سال بعد از «سن میکله»، فیلم «آلونسفان» (۱۹۷۴) را به نمایش درآوردند. فیلمی که درباره یک رهبر آثارشیشستی و هرج‌ومرج طلب است که در دوره پیری در آرزوی بازنشستگی است، او برای رسیدن به بازنشستگی تلاش می‌کند تا خودش را از دیگران مخفی کند با این حال دوستانش او را پیدا می‌کنند و اصرار می‌کنند که این رهبر سابق به آنها کمک کند. اما اولین موفقیت بزرگ برادران تاویانی با فیلم «پدرسالار» (۱۹۷۷) حاصل شد. این فیلم براساس زندگی یک زبان‌شناس ایتالیایی است که دوره جوانی‌اش را در روستا و به‌عنوان یک چوپان بی‌سواد گذرانده بود. «پدرسالار» که مشکل از بازیگران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای از اهالی روستاهای ساردینیا بود توانست جایزه نخل طلایی کن آن سال را دریافت کند. آکیرا کوروساوا، فیلمساز بزرگ ژاپنی این فیلم را به‌عنوان یکی از اثر صند محبوب زندگی‌اش انتخاب کرد.

### ▼ دهه ۸۰ پایان دوران اوج

برادران تاویانی با ساخت فیلم «شب سن لورنزو» یا دهه هشتاد میلادی گذاشتند. این فیلم داستان مادری است که خاطرات دوران جنگ را از شبی که در روستای‌شان برای زنده ماندن تلاش می‌کردند، برای فرزندش تعریف می‌کند. «شب سن لورنزو» نیز توانست در جشنواره کن سال ۱۹۸۲ موفق ظاهر شود و جایزه بزرگ ویژه هیئت داوران را دریافت کرد. پائولین کبل، منتقد بزرگ آمریکایی این ساخته برادران تاویانی را اثر مهیج خیلی خوبی خواند که همه چیز از جمله کم‌دی، ترازوی، و ژوئیل (گونه‌ای برنامه‌نمایشی سرگرم‌کننده و تفریحی که از دهه ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۰ در آمریکا و کانادا رواج داشت) و ملودرام را در خود، آن هم به صورتی جدایی‌ناپذیر دارد. «کانوس» (۱۹۸۴) که براساس داستان‌های کوتاه لوئیجی پیراندلو ساخته شد، فیلم بعدی تاویانی‌ها بود که امروزه از آن به‌عنوان یکی از آثار مهم کارنامه کاری این برادران یاد می‌شود. تاویانی‌ها در همین دهه «صبح بخیر، بابل» را نیز جلوی دوربین بردند؛ فیلمی که داستان دو برادر اهل توسکانی ایتالیا است که اوایل قرن بیستم به آمریکا مهاجرت می‌کنند و شغلی به‌عنوان طراح صحنه فیلم‌ها خرج «تعصب» ساخته دیوید وارک گریفیث پیدا می‌کنند.

### ▼ دهه ۹۰ و افول برادران

کارهای برادران تاویانی در این دهه مثل گذشته نبودند موفقیت تجاری دیگر به سراغ فیلم‌های آنها می‌آمد، جشنواره‌ها نیز کمتر به فیلم‌های آنها توجه نشان می‌دادند. اولین فیلم تاویانی‌ها در دهه ۹۰، «خورشید همچنان در شب می‌درخشد» بود که براساس نمایش‌نامه «باباسرگی» لئو تولستوی ساخته شد و در بخش خارج از مسابقه جشنواره کن به نمایش درآمد. «فیورلیه» که درباره نفرین دوستانه‌ی یک خانواده است و «خویشاوندی‌های اختیاری» که براساس اثری به همین نام نوشته‌ی گوته ساخته شده بود دو کار شناخته‌شده کارنامه تاویانی‌ها در دهه ۹۰ به‌شمار می‌آیند.

### ▼ بازگشت به دوران خوب گذشته

سال ۲۰۱۲ برادران تاویانی بعد از نزدیک به دو دهه کم‌افت و خیز در کارنامه فیلمسازی با فیلم «سزار باید بمیرد» دوباره در جشنواره‌های سینمایی درخشیدند. «سزار باید بمیرد» درباره زندانیانی است که نمایشنامه «جولیوس سزار» شکسپیر را روی صحنه می‌برند. فیلم برنده جایزه خرس طلایی جشنواره برلین سال ۲۰۱۲ شد و به‌توجهی خداحافظی باشکوهی برای برادران سالخورده اهل توسکانی بود. پائولو تاویانی درباره این فیلم آن زمان گفت: «امیدوارم تماشاگران سینما با دیدن این فیلم به خودشان و همینطور اطرافیان‌شان بگویند حتی یک زندانی با یک حکم وحشتناک، حتی حکم حبس ابد، همچنان یک انسان است و انسان هم می‌ماند.» «درام جنگی» «رنگین کمان» یک موضوع خصوصی «محصول ۲۰۱۷» آخرین فیلم مشترک این دو برادر بود که درباره پارتیزانی است که در جریان جنگ جهانی دوم در دوره‌ای میان جنبش مقاومت و عشقش به یک زن جوان گرفتار است. آوریل سال ۲۰۱۸ و ونیزووا: دنیا رفت و این شراکت هنری برتر که عمری بیشتر از ۵۰ سال داشت به پایان رسید. سال ۲۰۲۲ پائولو تاویانی اولین و تنها فیلم بلند برادرش را با نام «لئونورا، خداحافظ» ساخت. فیلمی که جایزه فیبرشی برلین هفتادوم را به‌دست آورد و روز پنجشنبه ۲۹ فوریه (۱۰ اسفند) پائولو از دنیا رفت.

## چهره

### اخراج برای فرار از سقوط

فرهاد مجیدی، سرمربی ایرانی تیم فوتبال اتحاد کلبا امارات روز گذشته به دلیل نتایج ضعیف از سمت خودش برکنار شد. فرهاد مجیدی دو سال پیش بعد از قهرمانی با استقلال تهران در لیگ برتر، به یکباره از سمت خودش استعفا کرد و رفت. تصور هواداران استقلال این بود که مجیدی قرار است یک فصل استراحت کند اما بلافاصله خبر مربیگری او در این تیم اماراتی منتشر شد. مجیدی در این فصل اما نتوانست انتظارات مدیران باشگاه را برآورده کند. اتحاد کلبا طی ۱۵ مسابقه فقط در سه مسابقه پیروز شد و در هشت مسابقه شکست را تجربه کرد. گفتنی است این تیم در ۸ مسابقه اخیر در ۵ بازی شکست خورد تا با ۱۳ امتیاز و یک بازی بیشتر رتبه دوازدهم را در لیگ ۱۴ تیمی امارات در اختیار داشته باشد. مدیران اتحاد کلبا برای فرار از بحران و جلوگیری از سقوط به دسته پایین‌تر، مجیدی را برکنار کردند.



## کتابخانه

### ادبیات و فلسفه پهلو به پهلو هم

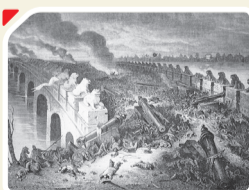
کتاب «فرقه خودبینان» اثر اریک امانوئل اشمیت، با ترجمه سیامند زندی توسط نشر نو به چاپ رسیده است. در این کتاب محقق مول از تحقیق و دلزده از فیش‌ها و یادداشت‌ها، ناگهان در کتابخانه ملی پاریس به ردی از متفکری ناشناخته برمی‌خورد که نام و نشان از قرن هجدهم به بعد به طرز سوءظن برانگیز پنهان مانده است. جست‌وجو در اسناد، کتاب‌ها و بازمانده‌ها آنقدر پیش می‌رود که مرز واقعیت و خیال محو می‌شود و ملال تحقیق دانشگاهی جای خود را به هیجان تفحص پلیسی می‌دهد. اریک امانوئل اشمیت در «فرقه خودبینان»، با نثری گاه شاعرانه و گاه ماجراجویانه، بر آن مرز پارکی نور افکنده است که ادبیات و فلسفه را پهلو به پهلو می‌نشانند. اریک امانوئل اشمیت، نویسنده، نمایشنامه‌نویس و فیلسوف فرانسوی است. آثار اشمیت تا به حال به ۴۳ زبان منتشر شده و نمایشنامه‌هایش نیز در بیش از ۵۰ کشور روی صحنه رفته است.



فرقه خودبینان  
نویسنده: اریک  
امانوئل اشمیت  
مترجم:  
سیامند زندی  
انتشارات: نشر نو

## تاریخ

### آغاز جنگ دوم تریاک



سوم مارس ۱۸۵۷ انگلستان و فرانسه به چین اعلان جنگ دادند و جنگ دوم تریاک آغاز شد. این جنگ تا سال ۱۸۶۰ ادامه یافت و به شکست نظامی چین انجامید. در جریان این جنگ، قدرت‌های جهانی

دیگر به انگلستان و فرانسه پیوسته بودند. طبق قرارداد‌های پایانی این جنگ، دولت وقت چین که از توان نظامی کافی برخوردار نبود قبول کرد که تجارت تریاک انگلستان با چین قانونی شود که نتیجه‌اش اعتیاد چینی‌ها بود. طبق این قراردادها، دولت چین موافقت کرد که بنادر خود را به روی قدرت‌های وقت بازبگذارد، از واردات این کشورها عوارض گمرکی نگیرد، مانع مهاجرت کارگران «پرکار و ارزان‌مزد» چینی به آمریکای شمالی (کانادا و ایالات متحده) و مستعمرات قدرت‌ها نشود، کشتی‌های نظامی آنان بتوانند وارد بنادر چین شوند، مانع فعالیت مروجان مسیحیت نشود و هرگونه قرارداد به زبان انگلیسی نوشته شود. نخستین جنگ تریاک، تنها میان چین و انگلستان روی داده بود زیرا که چینی‌ها تریاک‌های انگلیسی‌ها را که از هند به چین صادر می‌شد، به دریا ریخته بودند. در این جنگ «هنگ‌کنگ» چین به تصرف انگلستان درآمد بود.